

رابطه بین مرزهای بیرونی خانواده و مسئولیت پذیری: نقش واسطه‌ای خودمهارگری

The Relationship Between Family External Boundaries and Responsibility: The Mediating Role of Self-Regulation

Mohammad Mahdi Safouree Parizi ¹

Seyyed Mohammad Ali Ayat ²

محمد مهدی صفورائی پاریزی ^۱

سید محمدعلی آیت ^۲

Abstract

This study aimed to examine the relationship between family external boundaries and spouses' responsibility, with the mediating role of Islamic self-regulation. The research employed a descriptive and correlational design. From the statistical population of married spouses in Isfahan Province, 156 individuals were randomly selected and responded to the External Family Boundaries subscale from the H.FBQ Family Boundaries Questionnaire, the Responsibility subscale of the California Psychological Inventory (CPI-Re), and the Self-Regulation Questionnaire based on Islamic sources (SCS-BIS). The relationships between variables were analyzed using correlation coefficients and linear regression, and the data were processed using Baron and Kenny's four-step method. The findings showed a significant positive relationship between the predictor variable (family external boundaries) and the criterion variable (responsibility). Additionally, there was a significant positive relationship between the mediator variable (self-regulation) and the predictor variable (family external boundaries). The results also indicated a significant positive relationship between the criterion variable (responsibility) and the mediator variable (self-regulation). Therefore, it can be concluded that self-regulation mediates the relationship between family external boundaries and responsibility.

Keywords: Family External Boundaries, Responsibility, Self-Regulation, Family, Family Boundaries.

1. Associate Professor of Educational Psychology, Al-Mustafa International University, Qom, Iran.

2. Ayat (Corresponding Author): Ph.D. Student in Quran and Psychology, Faculty of Islamic humanities and social sciences, Al-Mustafa International University, Qom, Iran.

Email: aliyat@gmail.com

Received: 2024 January 28

Accepted: 2024 March 11

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی رابطه مرزهای بیرونی خانواده و مسئولیت پذیری همسران با نقش میانجی خودمهارگری اسلامی انجام شده است. روش پژوهش توصیفی و از نوع همبستگی است که از میان جامعه آماری همسران متأهل استان اصفهان به صورت نمونه‌گیری تصادفی ۱۵۶ نفر انتخاب شدند و به خرده‌مقیاس مرزهای بیرونی خانواده از پرسشنامه مرزهای خانواده H.FBQ، خرده‌مقیاس مسئولیت‌پذیری پرسشنامه کالیفرنیا CPI-Re و پرسشنامه خودمهارگری براساس منابع اسلامی SCS-BIS پاسخ دادند. رابطه بین متغیرها با استفاده از ضریب همبستگی و رگرسیون خطی بررسی و تحلیل داده‌های پژوهش با روش چهارمرحله‌ای باورن و کنی انجام شد. یافته‌های پژوهش نشان داد بین متغیر پیش‌بین (مرزهای بیرونی خانواده) و متغیر ملاک (مسئولیت‌پذیری) رابطه مثبت معناداری وجود دارد؛ همچنین براساس یافته‌ها بین متغیر میانجی (خودمهارگری) و متغیر پیش‌بین (مرزهای بیرونی خانواده) رابطه مثبت و معناداری وجود دارد و نیز نتایج نشان داد که بین متغیر ملاک (مسئولیت‌پذیری) و متغیر میانجی (خودمهارگری) رابطه مثبت معناداری وجود دارد؛ درنتیجه می‌توان گفت خودمهارگری در رابطه با مرزهای بیرونی خانواده و مسئولیت‌پذیری نقش میانجی ایفا می‌کند.

واژگان کلیدی: مرزهای بیرونی خانواده، مسئولیت‌پذیری، خودمهارگری، خانواده، مرزهای خانواده

۱. دانشیار روان‌شناسی تربیتی جامعه المصطفی‌العالمیه، قم، ایران.
۲. (نویسنده مسئول) دانش‌پژوه دکتری قرآن و روان‌شناسی، مجتمع آموزش عالی علوم انسانی اسلامی، جامعه المصطفی‌العالمیه، قم، ایران.

Email: aliyat@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۲۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۸

مقدمه

خانواده به عنوان محبوب‌ترین و عزیزترین بنا نزد پروردگار (مجلسی، ۱۳۶۸، ج ۱۰۰: ۲۲۲)، واحد بنیادین تشکیل‌دهنده جامعه و کانون رشد و تأمین نیازهای اساسی انسان است. در نگرش اسلامی پیوند ازدواج میثاقی غلیظ و پیمانی محکم و استوار دانسته شده (نساء/ ۲۱) که موجب آرامش، مودت و رحمت برای همسران خواهد بود (روم/ ۲۱)؛ از این رو خانواده تنها نهاد طبیعی، بی‌بدیل و جاودانه انسان است. چرایی و ضرورت اولیه پدیدایی همه نهادها و سازمان‌های اجتماعی برای استقرار و تحکیم خانواده‌ها می‌باشد و خانواده پرقداست‌ترین نهاد هستی است (افروز، ۱۳۹۹). در نگرش روان‌شناسی نیز خانواده چیزی بیش از مجموعه افرادی است که در یک فضای مادی و روانی خاص به سر می‌برند، خانواده دارای نظام پیچیده است که اعضای آن رابطه‌ای عمیق و چندلایه دارند. این نظام اجتماعی مجموعه‌ای از قواعد و اصول را ابداع و برای اعضای خود نقش‌های متنوعی تعیین می‌کند؛ چنان‌که هیچ نظام دیگری چنین محدوده‌ها و مرزهای مشخص و نفوذناپذیری ندارد (گلدنبرگ و گلدنبرگ، ۱۴۰۱: ۹).

از جمله ارکان اساسی زندگی زناشویی مسئولیت‌پذیری است^۱؛ بدین معنا که عدم مسئولیت‌پذیری همسران سبب تزلزل و اختلال جدی در روابط آنها خواهد شد (زارعی محمودآبادی و دیگران، ۱۴۰۰). مسئولیت‌پذیری، یکی از مؤلفه‌های هوش اخلاقی (نیک و کیل^۲، ۲۰۰۷: ص ۹۳) و از جمله مفاهیم مهم روان‌شناختی به شمار می‌رود که توجه زیادی را به خود جلب کرده است (لنزی^۳ و همکاران، ۲۰۱۳). این واژه از نظر لغوی به معنای موظف بودن به انجام دادن امری (معین، ۱۳۸۳) و در نگرش حقوقی به مفهوم متعهد بودن شخص به انجام یا ترک عملی است (شهیدی، ۱۳۸۲: ۴۹). مسئولیت‌پذیری در رویکردهای مختلف روان‌شناسی تعریف مخصوص خود را یافته است و هر نظریه‌ای براساس اصول و مبانی خود به تعریف این واژه پرداخته‌اند. ویلیام گلسر^۴ در واقعیت‌درمانی^۵، مسئولیت‌پذیری را توانایی برآوردن نیازهای شخصی، بدون محروم کردن دیگران از برآورده کردن نیازهایشان معرفی می‌کند (گلسر، ۱۳۹۳: ۲۵۷)، آلبرت ایس^۶ در نظریه رفتاردرمانی عقلانی-هیجانی^۷، یکی از هدف‌های مهم درمان را ایجاد مسئولیت در

1. Responsibility
2. Doug Lennick and Fred Kiel
3. Lenzi
4. William Glasser
5. Reality therapy
6. Albert Ellis
7. Rational Emotive Behavior Therapy

فرد می‌داند و معتقد است که برای دستیابی به این هدف باید شناخت‌های او را تغییر داد (پروچسکا و نورکراس، ۱۳۹۱: ۴۷)، فردریش پرلز در گشتالت‌درمانی^۲ مسئولیت‌پذیری را اتکا به توانایی خود برای انتخاب معرفی کرده است (شارف، ۱۳۸۱: ۲۳۸). در روان‌درمانی وجودی^۳، مسئولیت‌پذیری متعلق بودن انتخاب به خویشتن و مواجهه صادقانه با آزادی است (کوری، ۱۳۹۱: ۲۰۳). با این توضیحات می‌توان گفت از دیدگاه روان‌شناسی مسئولیت‌پذیری به معنای قابلیت پذیرش، پاسخگویی و برعهده گرفتن کاری است که از فرد درخواست می‌شود و حق دارد آن را بپذیرد یا نپذیرد (کلمز و بین، ۱۳۷۹: ۹). از نظر سرتو^۴ (۱۹۸۹)، مسئولیت‌پذیری یک تعهد و الزام درونی^۵ از سوی فرد برای انجام مطلوب همه فعالیت‌های برعهده او می‌باشد.

رفتارهای مسئولیت‌پذیرانه مانند دیگر مهارت‌ها آموختنی و اکتسابی است؛ به این معنا که فرد در زمانی رفتار مسئولانه از خود نشان می‌دهد که آن را در طول زندگی آموخته باشد (نیوی، ۱۳۷۸)؛ از آنجا که مهارت مسئولیت‌پذیری در روند زندگی و رشد فرد آموخته می‌شود، خانواده جایگاه خاصی در این زمینه خواهد داشت. خانواده نخستین جایگاه رشد مسئولیت‌پذیری در افراد است، آنجا که والدین در قبال رفتار و اعمال خود در برابر فرزندان پاسخگو هستند (محمدی، ۱۳۹۸: ۵۱) و آشکار و ناآشکار فرزندان خود را مسئولیت‌پذیر یا غیرمسئولیت‌پذیر پرورش می‌دهند. به نظر مرگلر و همکاران^۶ مسئولیت‌پذیری به دو بعد فردی و اجتماعی تقسیم می‌شود؛ مسئولیت‌پذیری فردی به این معناست که فرد خود را نسبت به خودش و موقعیتی که در آن قرار گرفته و نیز نیازها و خواسته‌های دیگران مسئول بداند. گفتنی است مفهوم مسئولیت‌پذیری فردی بر فرد تمرکز دارد، اما در یک زمینه اجتماعی اتفاق می‌افتد، فرد مسئولیت‌پذیر آگاه است که چگونه انتخاب‌ها و تصمیم‌هایش بر دیگران در جامعه تأثیر می‌گذارد؛ بنابراین مسئولیت‌پذیری اجتماعی از نظر این محققان بُعدی از مسئولیت‌پذیری فردی به شمار می‌رود (مرگلر و همکاران، ۲۰۰۷). مسئولیت‌پذیری در بعد فردی زمینه‌ساز مسئولیت‌پذیری اجتماعی است و مسئولیت‌پذیری اجتماعی پیامدهای اجتماعی و فرهنگی زیادی به دنبال دارد. از آثار مسئولیت‌پذیری اجتماعی این است که سبب پذیرش فرد از سوی دیگران شده و

1. Friedrich Salomon Perls
 2. Gestalt therapy
 3. existentialist theory
 4. Cereto
 5. Internal Commitment & Account
 6. A Mergler , F H Spencer & W Patton

احترام بیشتری را برای وی به دنبال دارد و نیاز به تعلق (بزرگ‌ترین نیاز روحی- روانی انسان) را برآورده می‌سازد (محمدی، ۱۳۹۸: ۵۲). بنابر مقیاس مسئولیت‌پذیری (Re) که یکی از مقیاس‌های بیست‌گانه پرسشنامه روان‌شناختی کالیفرنیا (CPI) است؛ افراد واجد مسئولیت‌پذیری بالا، ویژگی‌ها و توانایی‌های مهمی دارند، آنها وظیفه‌شناس، امین و درستکار هستند، نظم و مقررات را رعایت می‌کنند، سخت‌کوش و دقیق هستند، رویکرد آنها به مسائل بسیار روشن و منطقی است، از ارضای نیازهای خود به خاطر نیازهای گروهی چشم‌پوشی می‌کنند، پیامدهای رفتار خود را می‌پذیرند و نسبت به ارزش‌های اجتماعی و اخلاقی احساس تعهد می‌کنند، به تعهدات و توافق خود با دیگران پایبندند و رفتارهای منطقی معقول، مؤدب، پخته و جدی دارند، آنها در انجام وظائف پرانرژی، جدی و مصمم هستند و سطح انتظار بالایی دارند، وضعیت تحصیلی آنها خوب است و به والدین، دوستان، همکاران و به طور کلی به دیگران احترام می‌گذارند، معمولاً اعتقادات مذهبی قوی دارند و برای اخلاقیات ارزش قائل هستند، تلاش می‌کنند تا وظایف خود را بدون عین و نقص و به موقع انجام دهند و در انجام وظائف نیازی به کنترل آنها نیست و دیگران نیز آنها را قابل اعتماد و اطمینان می‌دانند (گراث مارنات، ۱۳۸۴، ج ۲: ۷۰۲).

در آیات فراوانی از قرآن کریم مسئولیت‌پذیری انسان را مورد اشاره و توجه ویژه قرار می‌دهد. در برداشتی قرآن‌بنیان، مسئولیت انسان را می‌توان ضمن ساختار نظام هدفمند هستی در نظر داشت؛ ساختاری که نه از روی بازی^۱ و بیهودگی^۲، بلکه با هدف و غایتی حقیقی^۳ آفریده شده است. در این جهان با عظمت و هدفمند، انسان نه تنها بدون مسئولیت رها نشده^۴، بلکه رسالت و مسئولیت بسیار بزرگ و مهمی بر عهده او نهاده شده است^۵. قرآن کریم مسئولیت انسان را همچون بار سنگینی بر دوش او معرفی کرده (فاطر/ ۱۸)^۶ و انسان را مسئول

۱. «وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لَاعِبِينَ؛ و ما آسمان‌ها و زمین و آنچه را که در میان این دو است، به بازی [و بی‌هدف] نیافریدیم» (دخان / ۳۸).

۲. «وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا بَاطِلًا؛ ما آسمان و زمین و آنچه را میان آنهاست، بیهوده نیافریدیم» (ص / ۲۷).

۳. «أَوَلَمْ يَتَفَكَّرُوا فِي أَنفُسِهِمْ مَا خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ؛ آیا آنان با خود نیندیشیدند که خداوند، آسمان‌ها و زمین و آنچه را میان آن دو است، جز به حق نیافریده است؟» (روم / ۸).

۴. «أَيُحْسِبُ الْإِنْسَانُ أَن يُتْرَكَ سُدًى؛ آیا انسان گمان می‌کند که بی‌هدف رها می‌شود؟» (قیامت / ۳۶).

۵. «وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً؛ [به خاطر بیاور] هنگامی را که پروردگارت به فرشتگان گفت: من در روی زمین جانشینی قرار خواهم داد» (بقره / ۳۰).

۶. «وَلَا تُؤْزِرُونَ وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى».

پاسخگویی به کردار خویش در روز قیامت خواننده است (صافات/۲۴)^۱. قرآن کریم حتی گوش و چشم و قلب انسان را نیز مسئول و مورد بازخواست برمی شمارد (اسراء/۳۶)^۲. در نگرش قرآن بنیان به مسئولیت های انسان، «خانواده» جایگاه ویژه ای دارد. در این نگرش خانواده نزد خداوند، بنای بسیار عزیز^۳ و گرانبهایی است که بر پایه عهد و پیمانی محکم^۴ برپا شده است که نشان دهنده اهمیت مسئولیت پذیری همسران در کانون خانواده در نگاه قرآن می باشد؛ همچنین در آموزه های دینی، همسر به مثابه امانتی الهی^۵ معرفی می شود که باید در برابر عملکرد خود با او به خداوند پاسخگو بود که این نیز اهتمام نگرش قرآن بنیان به نقش ویژه مسئولیت پذیری همسران در قبال یکدیگر را نشان می دهد.

با توجه به نقش مهم مسئولیت پذیری در عملکرد خانواده (زارع و محمدزاده، ۱۳۹۸)، بررسی متغیرهای مرتبط با این سازه در خانواده و پژوهش در این باره از اهمیت زیادی برخوردار است. شیخ الاسلامی و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهش خود به رابطه معنادار مسئولیت پذیری و تعهد زناشویی دست یافتند؛ براساس یافته های این پژوهش سلامت معنوی با نقش میانجی مسئولیت پذیری، تعهد زناشویی را پیش بینی می کند. طهرانی مقدم و شریعت باقری (۱۳۹۷) در پژوهش خود نشان دادند که بین عملکرد خانواده با مسئولیت پذیری ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد.

از دیگر موضوعات پراهمیت خانواده، ساختار و مرزهای آن است. نظریات مختلف روان شناختی در حوزه خانواده از جمله روان پویشی^۶، تجربه نگر^۷، انسان گرا^۸، رفتاری^۹ و الگوی سیستمی^{۱۰} به مسئله ساختار^{۱۱} و مرزهای خانواده^{۱۲} توجه کرده اند، اما الگوی سیستمی و رویکرد ساخت نگر^{۱۳} بیش از سایرین به آن پرداخته اند (هوشیاری، ۱۴۰۱: ۲۲). براساس رویکرد ساخت نگر،

۱. «وَقَفَّوهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ».

۲. «إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا».

۳. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «مَا بُنِيَ بِنَاءٌ فِي الْإِسْلَامِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنَ الْتَزْوِيجِ» (مجلسی، ۱۳۶۸، ج ۱۰۰: ۲۲۲).

۴. «وَأَخَذَنَّا مِنْكُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا» (نساء / ۲۱).

۵. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «فَاتَّقُوا اللَّهَ فِي النِّسَاءِ فَإِنَّكُمْ أَخَذْتُمُوهُنَّ بِأَمَانِ اللَّهِ...» (مجلسی، ۱۳۶۸، ج ۲۱: ۴۰۵) وَقَالَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي تَالِبٍ: «إِنَّهُنَّ أَمَانَةٌ اللَّهِ عِنْدَكُمْ» (نوری، ۱۳۸۲، ج ۱۴: ۲۵۱).

6. Psychodynamic theory
7. Empirical theory
8. Humanistic theory
9. Behavioral theory
10. Systemic model
11. Structure
12. Boundaries
13. Structural

خانواده ساختار و منظومه‌ای شامل «زیرمنظومه‌ها»^۱ و «مرزها»^۲ است (شلیپه و شوایتسر، ۱۳۸۰: ۳۶). سه زیرمنظومه بنیادین نظام خانواده را دربردارد: همسران^۳، والدین-فرزندان^۴ و همشیره‌ها^۵ (مینوچین، ۱۳۸۹: ۸۲). ساختار خانواده در این رویکرد، شامل چندین زیرمنظومه و مرزهای میان آنها و افراد است و هر عضو خانواده براساس وظایف و نقش‌های او در خانواده، امکان دارد در یک یا چند زیرمنظومه قرار گیرد (بنگسون، ۱۳۹۳: ۸۳۷). مرزها به عنوان دومین مؤلفه در ساختار خانواده همچون غشای سلول‌های زنده، ضامن استقلال و جدایی اعضا، خانواده و زیرمنظومه‌های آن هستند (نیکلز و شوارتس، ۱۳۸۷: ۲۱۸).

در این رویکرد خانواده دارای دو نوع مرز «درونی»^۶ و «بیرونی»^۷ می‌باشد که هر یک به لحاظ وضوح و نفوذپذیری^۸ دارای سه کیفیت مختلف «روشن»^۹، «مبهم»^{۱۰} و «تند»^{۱۱} و «گسسته»^{۱۲} و خشک»^{۱۳} است (نیکلز و شوارتس، ۱۳۸۷: ۱۸۳). مینوچین^{۱۴} وجود مرزهای روشن را از ضروریات کارآمدی خانواده و مرزهای مبهم و گسسته را از جمله علل اختلال کارکرد خانواده معرفی می‌کند (مینوچین، ۱۳۸۹: ۸۵). مرزهای درونی خانواده خطوط فرضی حاصل از الگوهای رفتاری، قوانین و انتظاراتی است که اعضا، زیرمنظومه‌ها و منظومه‌های درون خانواده را متمایز می‌سازد (نوزنده‌جانی و کمال‌پور، ۱۳۸۴) و مرزهای بیرونی گویای خطوط فرضی حاصل از الگوهای رفتاری، قوانین و انتظاراتی است که خانواده و زیرمنظومه‌های آن را از بیرون متمایز کرده، کمیت و کیفیت نفوذپذیری منظومه خانواده و زیرمنظومه‌ها از بیرون معین می‌کند (گلدنبرگ و گلدنبرگ، ۱۴۰۱: ۲۴۲).

براساس سنت علمی رایج، الگوی سیستمی و رویکرد ساخت‌نگر به پژوهشگران غربی نسبت داده می‌شود (زمون و دیگران، ۱۳۷۹: ۱۱۰)؛ درحالی‌که خانواده در قرآن کریم نمای دقیق سیستمی دارد؛ چنان‌که آیات و روایات مختلفی تأکید بر فضای اختصاصی زوجین، حفظ

1. Subsystems
2. Boundaries
3. Spousal subsystem
4. Parent- child subsystem
5. Sibling subsystem
6. Internal boundaries
7. Extrinsic boundaries
8. Permeability
9. Clearly defined
10. Diffuse
11. Enmeshment
12. Disengagement
13. Rigid
14. Minuchin.

حریم خانه و خانواده، احترام به حقوق خانواده، ضرورت کسب اجازه برای ورود به خانه دیگران (حتی محارم) و نیز مدیریت ورود و خروج خانواده توسط مردان از دلایل این رویکرد قرآنی است (هوشیاری، ۱۴۰۱: ۲۳). در آیات فراوانی از قرآن کریم تعبیر «حدود الله» (مرزهای الهی) آمده است که اشاره ای به مناطق ممنوعه و همان مرزها و حدود الهی دارد و بیشتر آنها مربوط به خانواده می باشد (همان: ۲۲۴). آن دسته از آموزه های قرآنی و روایی که ناظر به تنظیم روابط داخلی خانواده و زیرمنظومه های آن است با عنوان مرزهای درونی خانواده جای می گیرند و بر این اساس مرزهای «زوجینی»، «والدینی» و «فرزندان» از جمله مرزهای درونی خانواده به شمار می روند (همان: ۲۸۷). با توجه به پژوهش هوشیاری درباره مرزهای خانواده در روان شناسی و قرآن کریم، می توان برای خانواده چند نوع مرز بیرونی ترسیم کرد که بیشتر انعطاف پذیر، تابع مصالح خانواده و توافق همسران و سایر اعضای خانواده است؛ این مرزها عبارتند از: «خویشاوندی» و «تعامل با همسایگان و دوستان». از تحلیل اصطلاحات قرآنی مرتبط برداشت می شود که خویشاوندان تمام افرادی هستند که عرفاً توسط پدر یا مادر به انسان متصل می شوند. در چارچوب مرزهای بیرونی با خویشاوندان، مهم ترین قانون ناظر بر مرزهای خویشاوندی این است که اعضای خانواده (به ویژه همسران) در برابر یکدیگر منعطف، اما در مقابل سایرین محکم و نفوذناپذیر باشند که از آن به الگوی تعاملی «انعطاف نفوذناپذیری» یاد می شود. مرزهای مورد تأکید آموزه های اسلامی در مورد تعامل همسایگی نیز دربردارنده عواطف، گرایش ها، رفتارها و اقداماتی است که در قالبی اخلاقی افراد خود را ملزم به آن می کنند. بنابر آموزه های اسلامی برخی از حقوق و مرزها تعاملی دوستی عبارتند از: حفظ احترام جان و مال، جواب سلام، نصیحت کردن، یاری رساندن در سختی ها، برطرف کردن حاجت، اکرام و احترام، مواسات و همدردی، ایثار و فداکاری، حفظ آبرو در زمان غیبت، اهدای عیوب به دوست، نهی از منکر، بخشش خطاها و احوالپرسی در زمان غیبت طولانی؛ همچنین ممنوعیت تجسس، تفتیش، سوء ظن، استراق سمع، خیانت در امانت، غیبت، قذف و ورود بی اجازه به منزل دیگری در قالب حفظ «حریم مؤمن» از جمله مرزهای تعاملی با دوستان با توجه به آموزه های اسلامی است (هوشیاری، ۱۴۰۱: ۲۵۷-۳۸۰).

از جمله پژوهش هایی که مرزهای خانواده را مورد توجه قرار داده اند، می توان به پژوهش کیانی و همکاران (۱۳۸۹) اشاره کرد که در پژوهش خود نشان دادند با افزایش مذهب گرایی و

ارزنده‌سازی و کاهش سازمان نیافتگی، تنیدگی مرزهای بیرون خانواده و مرزهای بهنجار درون خانواده کاهش می‌یابند؛ همچنین نتایج دومین همبستگی بنیادی این پژوهش نشان داد که با افزایش مذهب‌گرایی و ارزنده‌سازی مذهبی، تنیدگی مرزهای درون و بیرون خانواده، گسستگی مرزهای درون خانواده و مرزهای بهنجار درون خانواده کاهش می‌یابند. هوشیاری و همکاری‌ها (۱۳۹۹) نیز حدود و مرزهای خانواده را از نگاه روان‌شناختی با تأکید بر آیات قرآن کریم مشتمل بر واژه «حدود الله» بررسی کردند. پژوهش تقیان و قاسمی مروج (۱۳۹۹) نیز نشان داد که میان تعهد زناشویی با مرزهای بیرونی خانواده رابطه مثبت و معناداری وجود دارد؛ همچنین مرزهای زوجینی خانواده به صورت کامل در رابطه بین تمایز یافتگی خود و تعهد زناشویی نقش میانجی دارد. براساس یافته‌های آنها برای ارتقای سطح تعهد زناشویی لازم است اصلاح و بهبود مرزهای زوجینی و تقویت تمایز یافتگی آنان مورد توجه قرار گیرد. پژوهش صفورایی پاریزی و فامیل دردشتی (۱۴۰۱) نشان داد که میان مرزهای خانواده و طلاق عاطفی رابطه منفی معنادار وجود دارد؛ همچنین میان مرزهای خانواده و رضایت زناشویی، رابطه مثبت معنادار وجود دارد و رضایت زناشویی در رابطه بین مرزهای خانواده و طلاق عاطفی نقش میانجی دارد.

خودمهارگری از دیگر موضوعاتی است که می‌تواند خانواده را از گزند آسیب‌ها حفظ کند (میرقادری، ۱۴۰۰). خودمهارگری به عنوان توانایی عالی انسان برای یک زندگی ارزشمند، امری حتمی و اجتناب‌ناپذیر است (رفیعی‌هنر و دیگران، ۱۳۹۳). این سازه انسان را در مهار ارادی ابعاد فردی و اجتماعی خود قادر می‌سازد (مید^۱ و همکاران، ۲۰۱۰: ۳۷۵-۳۸۸) و از امتیازات کلیدی انسان نسبت به سایر گونه‌های حیوانی به شمار می‌رود (اتان و والتز^۲، ۲۰۱۰). خودمهارگری موجب ابراز متناسب نیازها و احساسات (محمدی مصیری و دیگران، ۱۳۹۱) و پیشگیری از رفتارهای پرخطر، جرم‌ها و آسیب‌های اجتماعی است (نوفزبگر و روزن^۳، ۲۰۱۷: ۱۱۵). خودمهارگری در ادبیات روان‌شناسی با چندین اصطلاح دیگر ارتباط دارد: خودمهارگری زیرمجموعه دو مفهوم «خودنظم‌بخشی» و «کنش اجرایی خود» است، با مفاهیم قدرت اراده، خودانضباط‌دهی، خودداری و مدیریت خود مترادف می‌باشد و مفاهیم تأخیر ارضاء، تعالی و بازداری پاسخ از نشانه‌ها و لوازم آن به شمار می‌آیند (رفیعی‌هنر و دیگران، ۱۳۹۳)؛ درحالی‌که خودمهارگری ناکافی موجب مشکلات

1. Mead
2. Ethan & Walter
3. Nofziger & Rosen

رفتاری و مهار تکانه از جمله پرخوری، مصرف مواد و الکل و تکانه‌های جنسی خواهد بود (کاتلین و باومیستر^۱، ۲۰۱۶: ۶۵). تانجنی^۲ و همکاران (۲۰۰۴) خودمهارگری را توانایی بی‌اعتنایی یا تغییر دادن برخی خواسته‌های درونی و متوقف کردن تمایلات رفتاری نامطلوب می‌داند؛ همچنین خودمهارگری را توانایی غلبه بر واکنش‌های شدید، انتخاب اهداف بلندمدت، توانایی پایداری در برابر وسوسه‌ها، توانایی تأخیر یا تعالی ارضا تعریف کرده‌اند (کاتلین و باومیستر، ۲۰۱۶: ۷۸) و نیز خودمهارگری را توانایی اجتناب از رفتار نامطلوب معرفی کرده‌اند: رفتار نامطلوب رفتار غیرخردمندانه‌ای است که فرد به دلیل آسیب‌های آن یا به دلیل هدف بزرگ‌تر از آن اجتناب می‌کند (دی‌ریدر^۳ و همکاران، ۲۰۱۱). عناصر اساسی خودمهارگری را که از مرحله عملکرد مدل TOTE (کارور و شی‌یر، ۱۹۹۸) برگرفته‌اند؛ عبارتند از: معیارها، نظارت‌گری و عملکردها (رفیعی‌هنر، ۱۳۹۵: ۱۵۶)؛ همچنین به دلیل اهمیت خودمهارگری، پژوهش‌های مختلفی در پی کشف متغیرها و عوامل مرتبط با خودمهارگری بوده‌اند (باومیستر و همکاران، ۱۹۹۴). در این راستا پژوهش‌هایی رابطه مثبت و معنادار دینداری و خودمهارگری را نشان داده‌اند (مک‌کالو و ویلویی^۴، ۲۰۰۹).

در ادیان توحیدی از جمله اسلام، توجه ویژه به خودمهارگری شده است (رفیعی‌هنر، ۱۳۹۵: ۶۲). آیات و روایات اسلامی زیادی بر مفاهیمی مانند تقوا، عقل و صبر تأکید کرده‌اند که با خودمهارگری مرتبط هستند (رفیعی‌هنر، ۱۳۹۵: ۶۷). در این بین، تقوا به معنای «مهار خویشتن در جهت رضای خداست» که قوی‌ترین ارتباط را با خودمهارگری روان‌شناختی دارد (فروش و دیگران، ۱۳۹۹). تقوا و مشتقات آن ۲۵۸ مرتبه در قرآن کریم آمده و تأکید شده است که تقوا و خودمهارگری معیار ارزشمندی انسان نزد خداوند می‌باشد^۵؛ همچنین خودمهارگری در راستای رضایت پروردگار موجب نزول برکات و نعمت‌ها و پاداش‌های فراوان الهی در دنیا و آخرت می‌شود^۶. برخی علمای اخلاق اسلامی، تقوا را مهم‌ترین راهبرد رشد و تحول اخلاقی انسان معرفی کرده‌اند (عالم‌زاده نوری، ۱۳۸۹). براساس آموزه‌های اسلامی خودمهارگری بدین‌گونه تعریف می‌شود: «توان مهار و تنظیم مداوم و آگاهانه تمایلات نفس در سه حوزه افکار، هیجانات و رفتار با

1. Kathleen & Baumeister

2. Tangney

3. De Ridder

4. McCullough & Willoughby

۵. «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» (حجرات / ۳).

۶. «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ» (اعراف / ۹۶)؛ «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا» (طلاق / ۲-۳) و «وَلَوْ أَنَّهُمْ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَمَثُوبَةٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ خَيْرٌ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ» (بقره / ۱۰۳).

هدف رسیدن به کمال الهی از راه شناخت و نظارت بر خود، شناخت هدف نهایی و ایمان به آن و عمل براساس انگیزش‌های الهی (رفیعی‌هنر، ۱۳۹۵: ۲۹۰).

براساس پژوهش رفیعی‌هنر مفهوم «خودمهارگری» با نگرش اسلامی از دو سطح کلی تشکیل شده است؛ سطح اول از دو مؤلفه محوری «شناخت» و «بازدارندگی» تشکیل و از دو مفهوم عقل و تقوا استنباط شده است. سطح دوم که از تحلیل مؤلفه‌های سطح اول به دست می‌آید، دارای هفت مؤلفه خودنظارت‌گری، هدف‌شناسی، مؤلفه انگیزشی، مهار رفتاری، مهار شناختی، مهار هیجانی و مهار تداوم‌بخش است (رفیعی‌هنر و دیگران، ۱۳۹۳).

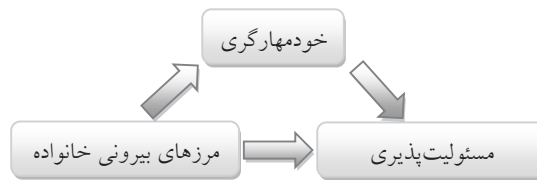
پژوهش‌های مختلفی نیز به نقش خودمهارگری در خانواده پرداخته‌اند؛ از آن جمله میرفادری (۱۴۰۰) در رساله کارشناسی ارشد خود نشان داد که خودمهارگری اسلامی در کاهش تعارضات زناشویی نقش مثبتی ایفا می‌کند و نیز هادی و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهش خود اثر مستقیم خودکنترلی بر تعهد زناشویی را نشان دادند. محمدی مصیری و همکاران (۱۳۹۱) نیز نشان دادند که بین خودمهارگری، کیفیت رابطه با والدین و فضای مدرسه با رفتارهای ضداجتماعی و عدم سلامت روانی رابطه منفی معنادار وجود دارد و نجارزادگان (۱۳۹۸) در پژوهش خود با توجه به آموزه‌های دینی به این نتیجه دست یافت که خودکنترلی بر پایه تقوای الهی نقش پررنگی در درمان مسئولیت‌گریزی ایفا می‌کند.

با وجود این پیشینه، محقق پژوهشی را نیافت که به بررسی رابطه بین متغیرهای تحقیق حاضر پرداخته باشد و تنها در این باره می‌توان به پژوهش احمدی جویباری (۱۳۹۶) اشاره کرد که به بررسی رابطه بین خودکنترلی و مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان دختر پایه ششم ابتدایی پرداخته است؛ چنان‌که روشن است، این پژوهش با اینکه به رابطه خودکنترلی و مسئولیت‌پذیری پرداخته، ولی متمرکز بر موضوع خانواده و مرزهای بیرونی آن نیست و همچنان فقدان پژوهشی در مورد رابطه مرزهای خانواده و مسئولیت‌پذیری با نقش میانجی خودمهارگری بسیار محسوس است.

با توجه به ضرورت مسئولیت‌پذیری در خانواده و تقویت بنیان‌های آن، اهمیت مرزهای بیرونی خانواده در نگرش اسلام و روان‌شناسی و نیز امکان میانجی‌گری خودمهارگری در رابطه با مرزهای بیرونی و مسئولیت‌پذیری، پژوهش در این حوزه علمی را ضروری می‌سازد؛ از این رو، پژوهش حاضر با موضوع «بررسی رابطه بین مرزهای بیرونی خانواده با مسئولیت‌پذیری و نقش

میانجی خودمهارگری» در پی بررسی فرضیه‌های زیر شکل گرفته است:

۱. بین مرزهای بیرونی خانواده و مسئولیت پذیری رابطه مثبت و معنادار وجود دارد.
۲. بین خودمهارگری و مرزهای بیرونی خانواده رابطه مثبت و معنادار وجود دارد.
۳. بین مسئولیت پذیری و خودمهارگری رابطه مثبت معناداری وجود دارد.
۴. خودمهارگری در ارتباط با مرزهای بیرونی خانواده و مسئولیت پذیری نقش میانجی دارد.



نمودار ۱: مدل مفهومی پژوهش

روش و ابزار پژوهش

روش این پژوهش توصیفی و از نوع همبستگی است. جامعه آماری افراد متأهل ساکن شهر اصفهان و تعداد جامعه آماری ۱۵۶ نفر بوده است، روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شده تا همه افراد جامعه، احتمال برابر برای شرکت در پژوهش داشته باشند و نتیجه تعمیم پذیر باشد. در این پژوهش، سه پرسشنامه «مسئولیت پذیری گاف»، «مرزهای خانواده هوشیاری» و «خودمهارگری رفیعی هنر»، اجرا و یافته‌های آن بررسی شده است.

مقیاس سنجش مسئولیت پذیری کالیفرنیا (CPI-Re): برای هدف از خرده‌مقیاس سنجش مسئولیت پذیری گرفته شده از پرسشنامه روان‌شناختی کالیفرنیا استفاده شد. تعداد ۴۲ سؤال مربوط به مقیاس مسئولیت پذیری از میان ۴۱۲ سؤال پرسشنامه اصلی استخراج شد و به کار رفت. مقیاس مسئولیت پذیری ۴۲ سؤالی به منظور سنجش ویژگی‌هایی همچون وظیفه‌شناسی، مسئولیت پذیری، قابلیت اعتماد، عمل کردن براساس نظم و مقررات و اعتماد بر اینکه عقل و دلیل باید بر زندگی حاکم باشد، مورد استفاده قرار گرفت (گراف مارنات، ۱۳۸۴: ۷۰۲).

عاطف وحید و همکاران (۱۳۸۴) روایی و پایایی این پرسشنامه را بررسی کردند که نتایج نشان داد که این پرسشنامه از روایی و پایایی قابل قبولی برای جمعیت ایران برخوردار است.

مقیاس سنجش مرزهای بیرونی پرسشنامه مرزهای خانواده (H.FBQ):^۱ هوشیاری در سال ۱۳۹۹، پرسشنامه چهارده سؤالی مرزهای بیرونی خانواده را براساس آموزه‌های اسلامی ساخت و ویژگی‌های روان‌سنجی آن را بررسی کرد. مرزهای بیرونی خانواده به قوانین عام اخلاقی و رفتاری تعامل با خانواده‌های اصلی و خویشاوندان مربوط است. روایی محتوایی این پرسشنامه براساس نظر متخصصان روان‌شناسی اسلامی مورد تأیید قرار گرفت. پایایی پرسشنامه با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۷۶۱ محاسبه شد. به منظور بررسی روایی سازه و برآورد پارامترهای گویه‌ها، پرسشنامه چهارده گویه‌ای بر روی نمونه‌ای ۵۰۸ نفری از جامعه آماری اجرا و نتایج با استفاده از تحلیل عامل تأییدی بررسی شد. تحلیل‌ها نشان داد پرسشنامه از روایی سازه مطلوبی برخوردار است (هوشیاری و دیگران، ۱۴۰۰).

مقیاس خودمهارگری (SCS-BIS)^۲: رفیعی هنر (۱۳۹۰) با بهره از قرآن کریم و روایات اسلامی و تبیین مؤلفه‌های سازه خودمهارگری اسلامی، مقیاس خودمهارگری را براساس منابع اسلامی ارائه کرد که خودمهارگری افراد بزرگسال را اندازه‌گیری می‌کند. این پرسشنامه ۶۴ سؤال دارد که با طیف لیکرت چهار درجه‌ای درجه‌بندی شده و شامل پنج عامل انگیزش خودمهارگری (۲۶ سؤال)، خودنظارت‌گری و مهار رفتاری (۱۱ سؤال)، خودمهارگری هیجانی رفتاری (۱۱ سؤال)، خودمهارگری جنسی (۹ سؤال) و هدف‌پذیری (۷ سؤال) است. ضریب همبستگی نظرات کارشناسان برای بررسی روایی محتوا بالاتر از ۰/۹۶ و ضریب تطابق کندال ۰/۲۵۷ بوده که در سطح ۰/۱ معنادار است. روایی ملاکی با محاسبه ضریب همبستگی مقیاس حاضر و دو مقیاس هم‌ارز مقیاس خودمهارگری و خرده مقیاس اعتدال از پرسشنامه توانمندی‌های منش به ترتیب ۰/۵۸۷ و ۰/۴۰۳ بوده که در سطح ۰/۱ معنادار است. نتیجه بررسی روایی سازه به شیوه تحلیل عاملی با ارزش ویژه بیش از ۰/۲، استخراج پنج عامل با بار عاملی بالاتر از ۰/۳ بوده که در مجموع ۳۴/۳۱۵ درصد واریانس کل مقیاس را آورد می‌کند. همبستگی بین عامل و کل مقیاس در سطح ۰/۱ معنادار است. در بررسی پایایی مقیاس ضریب آلفای کرونباخ در دو مرحله آزمایشی و نهایی به ترتیب ۰/۹۴۲ و ۰/۹ و ضرایب آلفای عوامل پنج‌گانه همگی بالاتر از ۰/۶۶۶ و همبستگی بین دونیمه مقیاس برابر با ۰/۷۵۳ ضریب همبستگی آزمون بازآزمون نیز برابر ۰/۶۹۲ بوده که در سطح ۰/۰۰۱ معنادار است (رفیعی هنر، ۱۳۹۰).

1. Houshyari Family Boundaries Questionnaire

2. Self-Control Scale Based on Islamic Sources

یافته‌های پژوهش

جامعه آماری پژوهش شامل ۵۴/۳ درصد پاسخ‌گویان، مرد و ۴۵/۷ درصد زن بودند. میانگین سن پاسخ‌گویان ۳۴ سال با انحراف معیار ۶/۵ و سن ۶/۹ درصد پاسخ‌گویان ۲۵ سال یا کمتر بود. سن ۱۳/۸ درصد پاسخ‌گویان در بازه ۲۶ تا ۳۰ سال و ۳۶/۹ درصد پاسخ‌گویان در سن ۳۱ تا ۳۵ سال بودند. سن ۲۷/۵ درصد پاسخ‌گویان بین ۳۶ تا ۴۰ سال و ۱۱/۳ درصد نیز در بازه سنی ۴۱ تا ۴۵ سال و نیز ۳/۸ درصد بیش از ۴۵ سال بودند. ۲۱/۶ درصد پاسخ‌گویان تحصیلات حوزوی و ۳۰/۹ درصد تحصیلات دانشگاهی و حوزوی داشتند و نیز ۳۴ درصد فقط دارای تحصیلات دانشگاهی بودند و سایرین (۱۳/۶ درصد) تحصیلات عالی نداشتند. تحصیلات ۱۶/۶ درصد پاسخ‌گویان در حد دیپلم یا کمتر و تحصیلات ۵/۶ درصد پاسخ‌گویان تا حد کاردانی بود. پاسخ‌گوییانی که دارای تحصیلات کارشناسی یا سطح دو حوزه بودند، ۱۷/۹ درصد و پاسخ‌گویان با تحصیلات کارشناسی ارشد یا سطح سه حوزه، ۴۱/۴ درصد از کل پاسخ‌گویان را شامل می‌شدند. ۱۸/۵ درصد پاسخ‌گویان نیز دارای تحصیلات سطح چهار حوزه یا دکتری بودند. در جدول ۱، آمارهای توصیفی و ضرایب همبستگی متغیرهای تحقیق ارائه شده است.

جدول ۱: آمارهای توصیفی و ضرایب همبستگی متغیرهای تحقیق

متغیر	میانگین	انحراف معیار	مرزهای بیرونی خانواده	خودمهارگری
مرزهای بیرونی خانواده	۴۲/۹	۶/۸۴	۱	
خودمهارگری	۱۹۵/۹	۱۷/۲۸	۰/۴۸۵**	۱
مسئولیت‌پذیری	۳۱/۱	۴/۷۳	۰/۲۹۴**	۰/۵۲۶**

میانگین و انحراف معیار متغیرهای تحقیق در جدول ۱ آمده است. ضریب همبستگی مسئولیت‌پذیری با خودمهارگری و مرزهای بیرونی خانواده و نیز ضریب همبستگی مرزهای بیرونی خانواده و خودمهارگری مثبت و معنادار است؛ به عبارتی کسانی که در متغیر مرزهای بیرونی خانواده نمره بالایی داشتند، در خودمهارگری نیز از نمره بالایی برخوردار بودند و برعکس، کسانی که در یکی از این دو متغیر مقدار پایینی داشتند، در متغیر دیگر نیز نمره پایین به دست آوردند.

به منظور بررسی نقش میانجی خودمهارگری در رابطه بین مرزهای بیرونی خانواده و مسئولیت‌پذیری از روش چهارمرحله‌ای بارون و کنی^۱ استفاده شده است؛ براساس این روش،

1. Barron & Kenny

چنانچه ارتباط بین متغیر پیش‌بین (مرزهای بیرونی خانواده) و ملاک (مسئولیت‌پذیری) و ارتباط بین متغیر پیش‌بین (مرزهای بیرونی خانواده) و میانجی (خودمهارگری) و ارتباط بین متغیر میانجی (خودمهارگری) و ملاک (مسئولیت‌پذیری) معنا دار باشد و با ورود متغیر میانجی به مدل، ضریب رگرسیون متغیر پیش‌بین غیرمعنادار شود؛ می‌توان نقش واسطه‌ای کامل متغیر میانجی را نتیجه گرفت. نتایج تحلیل‌ها در جدول ۲ آمده است.

جدول ۲: نتایج رگرسیون‌ها برای بررسی نقش میانجی خودمهارگری در رابطه بین مرزهای بیرونی خانواده و مسئولیت‌پذیری با استفاده از روش بارون و کنی

مدل*	متغیر ملاک	متغیر(های) پیش‌بین	ضریب بتا	t	سطح معنی‌داری
۱	مسئولیت‌پذیری	مرزهای بیرونی خانواده	۰/۲۹۴	۳/۸۹	۰/۰۰۰۱
۲	خودمهارگری	مرزهای بیرونی خانواده	۰/۴۸۵	۷/۰۱	۰/۰۰۰۱
۳	مسئولیت‌پذیری	خودمهارگری	۰/۵۲۶	۷/۸۱	۰/۰۰۰۱
۴	مسئولیت‌پذیری	مرزهای بیرونی خانواده	۰/۰۵۱	۰/۶۶	۰/۵۰۷
		خودمهارگری	۰/۵۰۱	۶/۵۰	۰/۰۰۰۱

*مدل‌های رگرسیون مورد بررسی:
 مدل ۱: مسیر پیش‌بینی مسئولیت‌پذیری از طریق مرزهای بیرونی خانواده
 مدل ۲: مسیر پیش‌بینی خودمهارگری از طریق مرزهای بیرونی خانواده
 مدل ۳: مسیر پیش‌بینی مسئولیت‌پذیری از طریق خودمهارگری
 مدل ۴: مسیر پیش‌بینی مسئولیت‌پذیری از طریق مرزهای بیرونی خانواده و خودمهارگری

نتایج رگرسیون‌ها نشان می‌دهد:

- بین متغیر پیش‌بین (مرزهای بیرونی خانواده) و متغیر ملاک (مسئولیت‌پذیری) رابطه مثبت معناداری وجود دارد؛ بنابراین نخستین فرضیه تحقیق تأیید شد.
- بین متغیر میانجی (خودمهارگری) و متغیر پیش‌بین (مرزهای بیرونی خانواده) رابطه مثبت و معناداری وجود دارد که تأییدکننده دومین فرضیه تحقیق است.
- بین متغیر ملاک (مسئولیت‌پذیری) و متغیر میانجی (خودمهارگری) رابطه مثبت معناداری وجود دارد. پس سومین فرضیه تحقیق نیز تأیید شد.
- با در نظر گرفتن متغیر خودمهارگری به عنوان متغیر میانجی در رابطه بین متغیرهای مرزهای بیرونی خانواده و مسئولیت‌پذیری، معناداری ارتباط بین مرزهای بیرونی خانواده و مسئولیت‌پذیری از بین رفته است؛ بنابراین می‌توان گفت متغیر خودمهارگری می‌تواند به طور کامل در رابطه بین دو متغیر مرزهای بیرونی خانواده و مسئولیت‌پذیری به عنوان متغیر میانجی نقش داشته باشد. پس چهارمین فرضیه تحقیق نیز تأیید می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

چنان‌که گفته شد، پژوهشی یافت نشد که به رابطه مرزهای خانواده و مسئولیت‌پذیری با نقش میانجی خودمهارگری پرداخته باشد؛ از این‌رو، پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش میانجی خودمهارگری در ارتباط با مرزهای بیرونی خانواده و مسئولیت‌پذیری اجرا شد و فرضیه اول پژوهش به رابطه مثبت و معنادار بین مرزهای بیرونی خانواده و مسئولیت‌پذیری اشاره داشت. با توجه به حجم بالایی از شکفته شدن توانمندی‌ها، مسئولیت‌پذیری‌ها و تعالی انسان، در نتیجه زندگی اجتماعی، تعاملات خانوادگی و تجربه‌های زندگی جمعی صورت می‌گیرد (سیف، ۱۳۸۶: ۲۸) و مرزهای بیرونی خانواده بیانگر قوانین، قواعد و انتظاراتی است که خانواده و زیرمنظومه‌های آن را از بیرون متمایز می‌سازد و کمیت و کیفیت نفوذپذیری منظومه خانواده و زیرمنظومه‌ها از بیرون را معین می‌کند (مینوچین، ۱۳۸۹: ۲۳۴) و نیز از مؤلفه‌های مهم مسئولیت‌پذیری، عمل کردن طبق قواعد و ضوابط است (گراث‌مارنات، ۱۳۸۴: ۷۰۲) که می‌توان رابطه معنادار مرزهای بیرونی خانواده را با مسئولیت‌پذیری در مؤلفه عمل براساس مقررات و نظم پیش‌بینی کرد؛ زیرا مرزهای شفاف بیرونی خانواده به معنای مسئولیت‌پذیری اعضای خانواده به قواعد و ضوابط حاکم بر نفوذپذیری آن از بیرون است. با این حال، یافته‌های پژوهش حاضر بر این مهم تأیید و تأکید دارد و با این نتیجه همسویی نشان می‌دهد؛ همچنین براساس نتایج این تحقیق مرزهای بیرونی خانواده با مسئولیت‌پذیری رابطه معنادار و مثبت ($P < 0.001$) دارند که نشان‌دهنده تأیید فرضیه اول پژوهش است. با توجه به اینکه خودمهارگری مهار ارادی انسان بر ابعاد فردی و اجتماعی خود است (میید و همکاران، ۲۰۱۰: ۳۸۰) و چنان‌که بیان شد، مرزهای بیرونی، قوانین حاکم بر خانواده و زیرمنظومه‌های آن با بیرون از خود است (مینوچین، ۱۳۸۹: ۲۳۴)، می‌توان به روشنی ادعا کرد مدیریت روابط خانواده با بیرون و تعهد به چارچوب‌ها و مرزهای بیرونی، بدون خودمهارگری اعضای خانواده فراهم نخواهد شد؛ زیرا وجود ضوابط و قواعد روشن در مرزهای بیرونی خانواده، زمانی به تحقق مرزهای شفاف و نفوذناپذیر بیرونی بدل خواهد شد که اعضای خانواده بر ارتباطات خود با بیرون، کنترل و مهار کافی داشته باشند. در واقع می‌توان گفت مرزها و قوانین شفاف خانواده، اعضای خود را به سمت خودمهارگری و ایجاد حریم برای روابط خود برمی‌انگیزاند تا اینکه مرزها و حدود فرضی خانواده با بیرون از خود تحقق یابد و حریم خانواده حفظ شود و بدین جهت در آموزه‌های دینی مدیریت روابط بیرونی خانواده از

شرایط خودمهارگری دینی یا همان «تقوا» دانسته شده است^۱ (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۱: ۱۵۶).

همچنین یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد کسانی که در متغیر مرزهای بیرونی خانواده نمره بالایی داشتند، در خودمهارگری نیز از نمره بالایی برخوردار بودند و برعکس، کسانی که در یکی از این دو متغیر نمره پایینی داشتند، در متغیر دیگر نیز نمره پایین به دست آوردند. براساس این یافته‌ها فرضیه دوم پژوهش نیز تأیید شد که می‌توان گفت وجود مرزهای روشن و شفاف بیرونی در خانواده با خودمهارگری اعضای آن همبستگی مثبت و معنادار (P > ۰/۰۰۰۱) دارد.

از سوی دیگر، سومین فرضیه پژوهش این است که بین مسئولیت‌پذیری و خودمهارگری رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. به گفته مگارگی^۲ مسئولیت‌پذیری میزان درک شخص از بازداری‌ها می‌باشد و خودمهارگری میزان نفوذی است که این بازداری‌ها در رفتار شخص دارد (۱۹۷۲: ۶۵-۶۶)؛ به همین دلیل مسئولیت‌پذیری و خودمهارگری واجد همبستگی نسبی هستند (گراث‌مارنات، ۱۳۸۴، ج ۲: ۷۰۲). پژوهش نجارزادگان و نجارزادگان (۱۳۹۸) نیز نشان می‌دهد که در آموزه‌های اسلامی درمان مسئولیت‌گریزی و افزایش مسئولیت‌پذیری افراد در گرو افزایش خودمهارگری و تقوا در آنها است. احمدی جویباری (۱۳۹۶) در پژوهش خود همبستگی مسئولیت‌پذیری و خودکنترلی را نشان می‌دهد. در پژوهش حاضر نیز همسو با این تحقیقات، رابطه مثبت و معنادار (P > ۰/۰۰۰۱) مسئولیت‌پذیری و خودمهارگری به دست آمده است که با توجه به این یافته‌ها به روشنی می‌توان گفت مسئولیت‌پذیری اعضای خانواده را با فزونی و تقویت خودمهارگری در آنها می‌توان افزایش داد.

فرضیه چهارم این پژوهش به نقش میانجی خودمهارگری در رابطه با مرزهای بیرونی خانواده و مسئولیت‌پذیری می‌پردازد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که با در نظر گرفتن متغیر خودمهارگری به عنوان متغیر میانجی، معناداری ارتباط بین مرزهای بیرونی خانواده و مسئولیت‌پذیری از بین رفته است؛ بنابراین خودمهارگری کاملاً نقش میانجی میان مرزهای بیرونی خانواده و مسئولیت‌پذیری را ایفا می‌کند که بدین ترتیب چهارمین فرضیه تحقیق نیز تأیید می‌شود. در تبیین این یافته‌ها، گرچه پژوهشی همسو یافت نشد که به نقش میانجی

۱. عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عليه السلام قَالَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ أَمَرَ بِثَلَاثَةِ مَقْرُونٍ بَيْنَهُنَّ ثَلَاثَةٌ أُخْرَى... وَأَمَرَ بِاتِّقَاءِ اللَّهِ وَصِلَةِ الرَّجْمِ فَمَنْ لَمْ يَصِلْ رَجْمَهُ لَمْ يَتَّقِ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ.

2. Edwin Inglee Megargee

خودمهارگری با دو متغیر دیگر این پژوهش پرداخته باشد، ولی چنان‌که روشن است؛ مرزهای بیرونی قواعد و قوانین حاکم بر روابط بیرونی خانواده (مینوچین، ۱۳۸۹: ۲۳۴) و یکی از مؤلفه‌های مهم مسئولیت‌پذیری عمل کردن طبق قواعد و ضوابط است (گراث‌مارنات، ۱۳۸۴: ۷۲)، اما صرفاً وجود مرزهای شفاف نیست که موجب مسئولیت‌پذیری اعضای خانواده می‌شود، بلکه به واسطه وجود مرزهای روشن و شفاف، خودمهارگری افزایش می‌یابد و در اثر خودمهارگری، مسئولیت‌پذیری اعضای خانواده نیز بیشتر می‌شود.

چنان‌که بیان شد، «معیارها» از جمله عناصر اساسی خودمهارگری است (رفیعی‌هنر، ۱۳۹۵: ۱۵۶)؛ یعنی می‌توان گفت مرزها و قوانین حاکم بر روابط بیرونی خانواده یک عنصر اساسی برای فراهم آمدن شرایط مهار خویشتن است. (وهس و اشمایکل، ۲۰۰۷)؛ همچنین به این نکته اشاره کرده‌اند که وقتی شخص از معیارها و ضوابط آگاهی می‌یابد، وضعیت موجود را با آن معیار و هدف ارزیابی می‌کند و چنانچه به آن معیارها دست نیافته باشد و میان وضعیت موجود و آن معیار فاصله باشد، وجود خودمهارگری لازم است. در واقع حین مواجهه اعضای خانواده با مرزهای روشن بیرونی خانواده، مؤلفه «عقل» در سطح اول خودمهارگری فعال می‌شود که سطح شناختی و بازداری ذهنی انسان است (رفیعی‌هنر، ۱۳۹۵: ۱۹۷) و در پی آن انگیزش خودمهارگری و خودکنترلی عملی در او فراهم خواهد آمد. نکته تبیینی مهم دیگر این است که پذیرش مسئولیت و تعهد به هر ضابطه و قانونی، پس از آن فرد فراهم خواهد شد که او احساس کنترل و احاطه داشته باشد و مرزهای بیرونی خانواده در هنگامی به مسئولیت‌پذیری اعضا به مرزها می‌انجامد که اعضای خانواده واجد کنترل و مهار خویشتن باشند. از این رو همسو با پژوهش (احمدی جویباری، ۱۳۹۶) پژوهش حاضر نیز خودمهارگری را زمینه مسئولیت‌پذیری نشان داده است. در جمع‌بندی و تبیین این نکات می‌توان گفت مرزهای روشن بیرونی از راه افزایش خودمهارگری سبب فزونی مسئولیت‌پذیری اعضای خانواده می‌شود. آگاهی اعضای خانواده از مرزهای شفاف و روشن بیرونی موجب می‌گردد که آنها در پی ارزیابی وضعیت خود با این مرزها باشند و چنانچه عملکرد آنها متناسب با آن مرزها نباشد، درصدد مهار و تنظیم خویشتن با آن مرزها برمی‌آیند. این مهارگری و خودتنظیمی سبب احساس پایبندی به ضوابط مرزهای بیرونی خانواده و تعهد و پذیرش مسئولیت نسبت به آنها در فرد خواهد شد.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۶۲). الخصال. ترجمه علی اکبر غفاری. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳. احمدی جویباری، مریم. (۱۳۹۶). «بررسی رابطه بین خودکنترلی و مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان دختر پایه ششم ابتدایی» (مطالعه موردی: شهر بابلسر). فصلنامه روان‌شناسی علوم تربیتی و علوم اجتماعی، سال اول، شماره ۲. صص: ۷۰-۶۳.
۴. افروز، غلامعلی. (۱۳۹۹). «خانواده متعالی در سایه حاکمیت حقوق عاطفی». خانواده و پژوهش، سال ۴۶، شماره ۱۷، صص: ۱۱-۲۰.
۵. بنگتسون، ورن ال. (۱۳۹۳). دایرةالمعارف خانواده (نظریه‌ها و روش‌ها). ترجمه عالیه شکرپیگی و شهلا مهرگانی. تهران: جامعه‌شناسان.
۶. پروچسکا، جیمز او؛ نورکراس، جان سی. (۱۳۹۱). نظریه‌های روان‌درمانی: (نظام‌های روان‌درمانی) تحلیل فرانظری. ترجمه یحیی سیدمحمدی. تهران: روان.
۷. تقیان، حسن؛ قاسمی مروج، مهدی. (۱۳۹۹). «پیش‌بینی تعهد زناشویی براساس تمایز یافتگی زوجین با نقش میانجی مرزهای زوجینی خانواده». پژوهش‌های روان‌شناسی اسلامی، سال چهارم، شماره ۳. صص: ۲۱-۳۷.
۸. توننده جانی، حسن؛ کمال پور، نسربین. (۱۳۸۴). «خانواده درمانی، نظام تعاملی چند جانبه». تازه‌های روان‌درمانی، سال ۳۸، شماره ۱، صص: ۴۶-۶۰.
۹. رفیعی هنر، حمید. (۱۳۹۰). «ساخت مقیاس خودمهارگری براساس منابع اسلامی». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۱۰. رفیعی هنر، حمید؛ جان بزرگی، مسعود؛ پسندیده، عباس؛ رسول‌زاده طباطبایی، سید کاظم. (۱۳۹۳). «تبیین سازه خودمهارگری براساس اندیشه اسلامی». روان‌شناسی و دین، سال ۲۷، شماره ۷. صص: ۵-۲۶.
۱۱. رفیعی هنر، حمید. (۱۳۹۵). روان‌شناسی مهار خویشتن با نگرش اسلامی. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۱۲. زارع، رحمان؛ محمدزاده، کمال. (۱۳۹۸). «نقش واسطه‌ای مسئولیت‌پذیری در رابطه با عملکرد خانواده و خودکارآمدی دانشجویان دختر دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت». زن و جامعه، سال ۳۹، شماره ۱۰، صص: ۱۲۷-۱۴۴.
۱۳. زارعی محمودآبادی حسن؛ زارعی، فاطمه. (۱۴۰۰). «علل و پیامدهای ازدواج زودهنگام و وقوع کودک همسری در دانش‌آموزان دختر استان یزد (طلاق دانش‌آموزی) مطالعه داده بنیاد». طلوع بهداشت، سال بیستم، شماره ۳. صص: ۱۲-۲۷.
۱۴. زیمن، فریتس بی.؛ کلمنت، اولریش؛ اشتیرلین، هلم. (۱۳۷۹). مفاهیم و تئوری‌های کلیدی در خانواده‌درمانی. ترجمه سعید پیرمرادی. اصفهان: همام.
۱۵. سیف، علی اکبر. (۱۳۸۶). روان‌شناسی پرورشی: روان‌شناسی یادگیری و آموزش، ویرایش پنجم. تهران: آگاه.
۱۶. شارف، ریچارد. (۱۳۸۱). نظریه‌های روان‌درمانی و مشاوره. ترجمه مهرداد فیروزبخت. تهران: رسا.
۱۷. شلیپه، آریست فون؛ شوایتسر، یوخن. (۱۳۸۰). آموزش درمان و مشاوره سیستمی. ترجمه سعید پیرمرادی. اصفهان: همام.
۱۸. شهیدی، مهدی. (۱۳۸۲). آثار قراردادهای و تعهدات. تهران: مجد.
۱۹. شیخ‌الاسلامی، علی؛ خداکریمی، شیدا؛ داداش‌زاده، مجید. (۱۳۹۶). «پیش‌بینی تعهد زناشویی براساس رضایت جنسی، سلامت معنوی، نقش میانجی مسئولیت‌پذیری». دین و سلامت، سال هشتم، شماره ۵، صص: ۲۲-۳۱.
۲۰. صفورائی پاریزی، محمد مهدی؛ فامیل دردشتی، احمد رضا. (۱۴۰۱). «نقش واسطه‌ای رضایت زناشویی در رابطه بین مرزهای خانواده و طلاق عاطفی». پژوهشنامه روان‌شناسی اسلامی، سال هفدهم، شماره ۸، صص: ۱۱۱-۱۲۹.
۲۱. طهرانی مقدم، حامد؛ شریعت باقری، محمد مهدی (۱۳۹۷). «ارتباط عملکرد خانواده با مسئولیت‌پذیری و ارضای نیازهای روانی پایه دانش‌آموزان پسر دبیرستانی». خانواده پژوهی، سال ۵۴، شماره ۱۴، صص: ۲۲۱-۲۳۵.
۲۲. عاطف وحید، محمد کاظم؛ نصر اصفهانی، مهدی؛ فتح‌اللهی، پریدخت؛ شجاعی، سید محمد رضا. (۱۳۸۴). «هنجار یابی پرسشنامه روان‌شناختی کالیفرنیا». روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران، سال ۴۳، شماره ۱۱، صص: ۳۷۱-۳۷۸.
۲۳. عالم‌زاده نوری، محمد. (۱۳۸۹). «راهبرد تربیت اخلاقی: استراتژی تحول اخلاقی و معنوی». معرفت اخلاقی، سال پنجم، شماره ۲، صص: ۶۵-۹۴.
۲۴. فروش، محمد؛ عسکری، محسن؛ قربانی، سکینه؛ داوودی، عبد الوحید. (۱۳۹۹). «نقش میانجی خودکارآمدی و تاب‌آوری در رابطه با هوش معنوی و خودمهارگری». روان‌شناسی و دین، سال ۵۱، شماره ۱۳، صص: ۹۱-۱۰۴.

۲۵. کارور، چارلز؛ شی، یر، مایکل. (۱۳۸۷). نظریه‌های شخصیت. ترجمه احمد رضوانی. مشهد: آستان قدس رضوی، شرکت به نشر.
۲۶. کلمز، هریس؛ بین، رینولد. (۱۳۷۹). آموزش مسئولیت به کودکان. ترجمه پروین علی پور. مشهد: آستان قدس رضوی، شرکت به نشر.
۲۷. کوری، جرالده. (۱۳۹۱). نظریه و کاربرد مشاوره و روان‌درمانی. ترجمه یحیی سیدمحمدی. ویرایش نهم. تهران: ارسباران.
۲۸. کیانی، احمدرضا؛ فرحبخش، کیومرث؛ اسدی، مسعود؛ شیرعلی پور، اصغر. (۱۳۸۹). «ابعاد جهت‌گیری مذهبی و مرزهای ارتباطی خانواده: یک همبستگی بنیادی». روان‌شناسی و دین، سال یازدهم. شماره ۳. صص: ۹۳-۱۰۶.
۲۹. گراث‌مارنات، گری. (۱۳۸۴). راهنمای سنجش روانی برای روان‌شناسان بالینی، مشاوران و روان‌پزشکان. ترجمه حسن پاشاشریفی و محمدرضا نیکخو. تهران: سخن.
۳۰. گلدنبرگ، آیرین؛ گلدنبرگ، هربرت. (۱۴۰۱). خانواده درمانی. ترجمه حمیدرضا حسین‌شاهی برواتی؛ سیامک نقشبندی؛ الهام ارجمند. تهران: روان.
۳۱. گلستر، ویلیام. (۱۳۹۳). واقعیت‌درمانی به ضمیمه درآمدی بر واقعیت‌درمانی نوین براساس تئوری انتخاب. ترجمه علی صاحبی. تهران: سایه سخن.
۳۲. مجلسی، محمداقبر. (۱۳۶۸). بحار الأنوار. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۳. محمدی، سیدعبدالله. (۱۳۹۸). «تبیین علی مسئولیت‌پذیری براساس الگوهای ارتباطی خانواده، ارزش‌های فرهنگی، ابعاد هویت و جهت‌گیری مذهبی در بزرگسالی در حال ظهور». پایان‌نامه دکتری. دانشگاه شیراز.
۳۴. محمدی مصیری، فرهاد؛ شفیعی فرد، یعقوب؛ داوری، مزده؛ بشارت، محمدعلی. (۱۳۹۱). «نقش خودمهارگری، کیفیت رابطه با والدین و محیط مدرسه در سلامت روانی و رفتارهای ضداجتماعی نوجوانان». روان‌شناسی تحولی روان‌شناسان ایرانی، سال ۳۲. شماره ۸. صص: ۳۹۷-۴۰۴.
۳۵. معین، محمد. (۱۳۸۳). فرهنگ فارسی معین. ویرایش دوم. تهران: معین.
۳۶. میرقادری، فاطمه سادات. (۱۴۰۰). «مطالعه نقش خودمهارگری در کاهش تعارضات زناشویی». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبایی.
۳۷. مینوچین، سالوادور. (۱۳۸۹). خانواده و خانواده درمانی. ترجمه باقر ثنائی. تهران: امیرکبیر.
۳۸. نبوی، سیدصادق. (۱۳۷۸). «راهبردهای پرورش حس مسئولیت‌پذیری در نوجوان». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تربیت مدرس.
۳۹. نجارزادگان، فتح‌الله؛ نجارزادگان، فاطمه. (۱۳۹۸). «آموزه خودکنترلی و مسئولیت‌پذیری در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت بر پایه "تقوا لله" با اهرم انذار». کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، سال هجدهم. شماره ۸. صص: ۹۳۱-۹۴۳.
۴۰. نوری، حسین بن محمدتقی. (۱۳۸۲). مستدرک الوسائل. قم: اسماعیلیان.
۴۱. نیکلز، مایکل پی؛ شوارتز، ریچارد سی. (۱۳۸۷). خانواده درمانی: مفاهیم و روش‌ها. ترجمه محسن دهقانی. تهران: دانژه.
۴۲. هادی، سعیده؛ اسکندری، حسین؛ سهرابی، فرامرز؛ معتمدی، عبدالله؛ فرخی، نورعلی. (۱۳۹۵). «مدل ساختاری پیش‌بینی تعهد زناشویی براساس سبک‌های دلبستگی و متغیرهای میانجی خودکنترلی و طرحواره‌های ناسازگار اولیه (در افراد دارای روابط فرازناشویی عاطفی)». فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی. سال ۲۸. شماره ۷. صص: ۳۳-۶۰.
۴۳. هوشیاری، جعفر. (۱۴۰۱). مرزهای خانواده در روان‌شناسی و قرآن کریم. قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی ﷺ.
۴۴. هوشیاری، جعفر؛ شکوری، حسن؛ حسینی کوهساری، سیدمجید. (۱۳۹۹). «حدود و مرزهای روان‌شناختی خانواده با تأکید بر آیات مشتعل بر واژه "حدود الله"». مطالعات اسلامی زنان و خانواده، سال سیزدهم. شماره ۷. صص: ۷-۳۰.
۴۵. هوشیاری، جعفر؛ صفورایی پاریزی، محمد مهدی؛ جزایری، سیدحمید؛ تقیان، حسن. (۱۴۰۰). «ساخت و اعتباریابی پرسشنامه سنجش مرزهای روان‌شناختی خانواده براساس قرآن کریم». مطالعات اسلام و روان‌شناسی، سال ۲۸. شماره ۱۵، صص: ۷-۲۹.
46. Baumeister, Roy F.; Heatherton, Todd, F. & Tice, Dianne, M. (1994). Losing Control: How and Why People Fail at Self-Regulation. Elsevier Science.
47. Certo, Samuel, C. (1989). Principles of Modern Management: Functions and Systems. Allyn and Bacon.
48. De Ridder, Denise; Lensvelt-Mulders, Gerty; Finkenauer, Catrin; Stok, F. Marijn; & Baumeister, Roy F. (2011). Taking Stock of Self-Control: A Meta-Analysis of How Trait Self-Control Relates to a Wide Range of Behaviors. Personality and Social Psychology Review, (16), 76-99.

49. Ethan, Kross & Walter, Mischel. (2010). From Stimulus Control to Selfcontrol: Towards an Integrative Understanding of the Processes Underlying Willpower. In *Self Control in Society, Mind, and Brain* (pp. 428-446). Oxford University Press.
50. Lennick, Doug & Kiel, Fred. (2007). *Moral Intelligence: Enhancing Business Performance and Leadership Success*. Pearson Prentice Hall.
51. Lenzi, Michela; Vieno, Alessio; Santinello, Massimo; Nation, Maury & Voight, Adam. (2013). The Role Played by the Family in Shaping Early and Middle Adolescent Civic Responsibility. *The Journal of Early Adolescence*, (34), 251-278. <https://doi.org/10.11770272431613485822/>
52. McCullough, ME. & Willoughby, BL. (2009). Religion, Self-Regulation, and Self-Control: Associations, Explanations and Implications. *Psychological Bulletin*, 1(135), 69-93.
53. Mead, Nicole L., Alquist, Jessica L. & Baumeister, Roy F. (2010). *Ego Depletion and the Limited Resource Model of Self-Control*. Oxford University Press.
54. Megargee, Edwin Inglee. (1972). *The California Psychological Inventory Handbook*. Jossey-Bass.
55. Mergler, A., Spencer, F.H., & Patton, W. (2007). Relationships between Personal Responsibility, Emotional Intelligence, and Self-Esteem in Adolescents and young Adults. *Australian Educational and Developmental Psychologist*, (24), 5-18.
56. Nofziger, S. & Rosen, N. L. (2017). Building Self-Control to Prevent Crime. In *Preventing Crime and Violence*. Springer International Publishing.
57. Vohs, K. D. & Baumeister, R. F. (2017). *Handbook of self-regulation: Research, theory and applications*. Guilford Publications.
58. Vohs, Kathleen D. & Baumeister, Roy F. (2016). *Handbook of Self-Regulation. Third Edition: Research, Theory and Applications*. Guilford Publications.
59. Vohs, Kathleen D. & Schmeichel, Brandon J. (2007). Self-regulation: How and why people reach (and fail to reach) their goals. In C. Sedikides & S. J. Spencer (Eds.). (C. Sedikides & S. J. Spencer, Eds.). *The self* (pp. 139-162). Taylor & Francis.